سمیه شریفی‌پور، طراح گرافیک محیطی و مدرس دانشگاه در گفت و گو با شهرآرا بیان کرد

نقش تعامل شهروندان در ارتقای گرافیک محیطی مشهد

گفت‌وگوی روز

خادم| تجربه حضور و زیست در شهر می تواند تجربه ای مطلوب و خوشایند باشد، اگر به آنچه لازمه پویایی و تعامل پذیر شدن آن است توجه شود. از بُعد مادی و فیزیکی، این مهم بسته است به همه اجزای ریز و درشتی که در مجموع محیط شهری را می سازند؛ از مبلمان شهری و المان ها تا پیاده‌رو و نورپردازی. کارکرد گرافیک محیطی این است که علاوه بر توجه به کاربردی بودن، هماهنگی و هارمونی میان همه این اجزا ایجاد کند. سمیه (سمیا) شریفی پور، دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر تهران، طراح هنر شهری، طراح گرافیک محیطی، طراح صحنه و مدرس دانشگاه، گرافیک محیطی را حوزه ای میان رشته ای معرفی می کند که زمانی معنا پیدا می کند که کارکرد مشخصی در هدایت، اطلاع رسانی، خوانا سازی فضا، زیباسازی و هویت بخشی داشته باشند. گرافیک محیطی و کارکردهای آن برای ایجاد تجربه ای مطلوب از زیست در شهر، تأثیر آن در هویت دهی و ایجاد حس دلبستگی به شهر و نقاط ضعف و قوت مشهد در گرافیک شهری از محورهای گفت وگوی ما با اوست که در ادامه می آید.



عکس: مهدیه غفوریان/شهرآرا

گرافیک محیطی، زبان بصری شهر است

شریفی پور در ابتدا و برای ورود به بحث، تعریفی از گرافیک محیطی می دهد: گرافیک محیطی یک حوزه میان رشته ای است که در تقاطع گرافیک، معماری، طراحی شهری و طراحی صنعتی شکل می گیرد. این شاخه از طراحی زمانی معنا پیدا می کند که عناصر بصری در یک فضای صرفا تزیینی نباشند، در واقع گرافیک محیطی زبان بصری شهر است؛ زبانی که به ما می گوید کجا هستیم، چطور حرکت کنیم، چه چیزی تزیینی است و چه چیزی بخشی از هویت آن مکان محسوب می شود. تابلوهای راهنما، سیستم های نشانه‌گذاری، دیوارنگاره ها، المان های حجمی، مبلمان شهری، نورپردازی های هدفمند، تایپوگرافی محیطی، طراحی ایستگاه ها، نقشه های شهری و حتی گرافیک سطوح کف و دیواره ها همگی اجزای این زبان هستند. اما نکته مهم این است که این عناصر زمانی تبدیل به «گرافیک محیطی» می شوند که در یک سیستم منسجم و هدفمند کنار هم قرار بگیرند. مسیریابی شهری و خوانایی در شهر، زیباسازی و ارتقای کیفیت بصری، ایجاد و تقویت هویت بصری شهری، ایجاد تعامل و هم زیستی بصری با شهروندان از مهم ترین کارکردهایی است که شریفی پور برای گرافیک شهری برمی شمارد و در توضیح این کارکردها می افزاید: یکی از بنیادی ترین وظایف گرافیک محیطی، کمک به شهروندان در درک ساختار فضایی شهر است. سیستم های نشانه‌گذاری، نقشه ها، کدهای رنگی، تایپوگرافی و آیکون ها به افراد کمک می کنند کوتاه ترین و مناسب ترین مسیر را انتخاب کنند و در فضای شهری دچار سردرگمی نشوند. از طرفی شهر امروز با انبوهی از اطلاعات بصری، تبلیغات و عناصر ناهمگون روبه رو است که گرافیک محیطی می تواند با ایجاد هماهنگی، نظم و ترکیب بندی هدفمند، از آشفتگی بصری بکاهد و کیفیت ادراک شهر را بالا ببرد. زیباسازی در اینجا به معنای افزودن تزیینات نیست، بلکه به معنای سامان دهی بصری و ایجاد تعادل میان فرم، رنگ و مقیاس در فضاست. هویت از کارکردهای دیگر گرافیک شهری است؛ هر شهر متأثر از اقلیم، تاریخ، فرهنگ، ساختار اجتماعی و زیست معاصر خود هویتی منحصر به فرد دارد. گرافیک محیطی می تواند این هویت را به زبان تصویر بیان کند. استفاده از الگوهای بومی، رنگ های مرتبط با اقلیم، تایپوگرافی، روایت های بصری برگرفته از تاریخ و خاطره جمعی، باعث می شود شهر نه فقط یک مکان فیزیکی، بلکه یک شخصیت قابل شناسایی داشته باشد. کارکرد مهم دیگر گرافیک محیطی این است که می تواند از حالت یک طرفه خارج و به عنصر تعاملی تبدیل شود؛ عناصری که شهروند با آن ارتباط برقرار می‌کند، مکث می‌کند، عکس می‌گیرد، یا حتی در شکل‌گیری آن مشارکت دارد.

شهروند باید خود را در روایت و زبان بصری شهر ببیند

همه تعاریف و کارکردها و انتظاراتی که از گرافیک محیطی می رود این است که در نهایت نه فقط منجر به زیست پذیر شدن شهر که سبب و زمینه ساز ایجاد تجربه ای مطلوب از حضور در محیط شهری شود. این طراح و مدرس دانشگاه درباره این موضوع نیز می‌گوید: ما شهر را پیش از آنکه لمس کنیم، می بینیم و ادراک می‌کنیم. بنابراین نظم یا آشفتگی بصری، خوانایی یا سردرگمی، هماهنگی یا اغتشاش، همگی بر احساس ما نسبت به شهر تأثیر می‌گذارند. نقش گرافیک محیطی تنها به هدایت محدود نمی‌شود. عناصر هویت بخش، رنگ ها، الگوهای بومی، تایپوگرافی متناسب با فرهنگ نوشتاری و حتی نورپردازی هدفمند می توانند حس دعوت شوندگی در فضا ایجاد کنند. تجربه زیست مطلوب زمانی شکل می‌گیرد که شهروند احساس کند در طراحی شهر دیده شده است؛ یعنی نیازهای او در نظر گرفته شده، مقیاس انسانی رعایت شده و زبان بصری فضا با فرهنگ و زندگی روزمره اش هم خوانی دارد و در نتیجه احساس تعلق و امنیت خاطر در او شکل خواهد گرفت.



یکی از مهم‌ترین نقاط قوت مشهد در سال‌های اخیر، حرکت هنر شهری از «زیباسازی صرف» به سمت «معنا گرایی» بوده است. آثار دیواری، المان ها و پروژه های محیطی بیشتر تلاش کرده‌اند روایتگر باشند

شریفی پور درباره تأثیر گرافیک محیطی و تأثیر عناصر آن در ایجاد حس دلبستگی و هویت یادآور می شود: هویت دیداری شهر یک لایه تزیینی یا سطحی نیست، بلکه حاصل یک فرایند مطالعاتی چندلایه است. این ساختار باید بر پایه شناخت دقیق تاریخ، فرهنگ، اقلیم، رفتار اجتماعی، حافظه جمعی و حتی ریتم زندگی روزمره آن شهر شکل بگیرد. بدون این شناخت، هر عنصر گرافیکی صرفا یک نشانه بی ریشه خواهد بود. برای تقویت حس تعلق باید طراحی مبتنی بر پژوهش عمیق مکان باشد. نظام هویت شهری به صورت هماهنگ شکل بگیرد و گرافیک محیطی در شهر بازتاب دهنده داستان ها و خاطرات مردم باشد. در نهایت، حس هویت و تعلق زمانی تقویت می شود که شهروند خود را در روایت و زبان بصری شهر ببیند؛ یعنی احساس کند این فضا از لایه های عمیق فرهنگی، هنری و اجتماعی زندگی او الهام گرفته است. او در ادامه در این باره که آیا در بحث ایجاد حس هویت و تعلق در مشهد به قشرهای مختلف عادلانه نگاه و توجه شده است، خاطرنشان می‌کند: به نظر می رسد در مشهد تمرکز اصلی هویت سازی شهری، به طور طبیعی بر هویت مذهبی شهر بوده است، با توجه به معنویت و حضور زائران، این رویکرد قابل درک است و بخشی مهم از تصویر شهر را شکل می دهد. اما هویت شهری پدیده ای تک لایه نیست. هر شهر از لایه های متعددی تشکیل شده؛ از فرهنگ های محلی و قومی گرفته تا نسل های مختلف، هنرمندان، نوجوانان، زنان، مهاجران، فعالان اجتماعی و گروه های حرفه ای متنوع. در مشهد، به نظر می رسد ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی و جامعه شناختی متنوعی وجود دارد که هنوز به طور کامل در ساختار هویت بصری شهر بازنمایی نشده اند. این به معنای نفی هویت مذهبی نیست، بلکه به معنای تکمیل آن با سایر ابعاد زندگی شهری است. عدالت در هویت بخشی یعنی ایجاد فضایی که گروه های مختلف بتوانند خود را در زبان بصری شهر ببینند. وقتی شهر تنها یک روایت غالب داشته باشد، تجربه زیسته برخی اقشار در حاشیه قرار می‌گیرد. اما اگر طراحی شهری همه را در بر بگیرد، حس تعلق گسترده تر و عمیق تر شکل می‌گیرد.

باید به سمت پروژه های مبتنی بر پژوهش برویم

او وضعیت گرافیک شهری و محیطی مشهد را این‌گونه ارزیابی می‌کند: مشهد به عنوان کلان شهری با جایگاه فرهنگی، مذهبی و گردشگری ویژه، ظرفیت بسیار بالایی در حوزه هنر شهری دارد. یکی از مهم ترین نقاط قوت مشهد در سال های اخیر، حرکت هنر شهری از «زیباسازی صرف» به سمت «معنا گرایی» بوده است. آثار دیواری، المان ها و پروژه های محیطی بیشتر تلاش کرده اند روایتگر باشند، با هویت شهر ارتباط برقرار کنند و پیام داشته باشند. این تغییر رویکرد، نشانه بلوغ نسبی در نگاه مدیریتی به هنر شهری است. اما با وجود این پیشرفت ها، گرافیک شهری مشهد هنوز با چالش های ساختاری روبه رو است. مهم ترین مسئله، نبود پروژه های بلندمدت و برنامه ریزی است. بسیاری از پروژه ها مقطعی و مناسبتی اند و کمتر شاهد یک نظام یکپارچه طراحی هستیم که به شکل مستمر عمل کند. این مدرس دانشگاه افزود: نبود اصلاح در زیرساخت های طراحی مانند استانداردسازی تابلوها، هارمونی تایپوگرافی شهری و سامان دهی تبلیغات محیطی باعث شده تصویر کلی شهر دچار ناهمگونی بصری باشد. ناگفته نماند مشهد در مقایسه با دیگر شهرها به لحاظ بصری از جایگاه بالاتری برخوردار است. از دیگر نقاط ضعف گرافیک شهری مشهد این است که پروژه های چندوجهی که گرافیک را در تعامل با معماری، نور، مبلمان و طراحی شهری ببینند، هنوز به صورت سیستماتیک شکل نگرفته اند. در نتیجه، گرافیک اغلب به عنوان یک لایه الحاقی دیده می شود، نه بخشی از طراحی شهری. در نهایت، یکی از خلأهای مهم، نبود هویت بصری یکپارچه در محلات مختلف شهر است. هر منطقه می تواند با توجه به پیشینه فرهنگی، اجتماعی و کالبدی خود دارای زبان بصری متمایز، اما هماهنگ با کل شهر باشد؛ اما اکنون این انسجام کمتر دیده می شود. در پایان من بر این باور هستم که برای ارتقای گرافیک محیطی در مشهد، لازم است از پروژه های مقطعی به سمت یک سیستم هماهنگ و بلندمدت حرکت شود که مبتنی بر پژوهش فرهنگی، اجتماعی و تعامل شهروندان باشد. همچنین از طریق بازنمایی لایه های فرهنگی و اجتماعی متنوع شهر، می توان به تصویری چندلایه تر، عادلانه تر و ماندگارتر از مشهد دست یافت.

بارسلونا؛ نمونه موفقی در گرافیک شهری



پارک گوئل در شهر بارسلونا

این طراح گرافیک شهر بارسلونای اسپانیا را یکی از شهرهای موفق در زمینه گرافیک شهری و محیطی می داند و دلایل آن را چنین برمی شمارد: بارسلونا شهری است که گرافیک محیطی را نه به عنوان تزیین، بلکه به عنوان بخشی از ساختار مدیریت شهری تعریف کرده است. هویت بصری بارسلونا یک «سیستم جامع» است، نه صرفا یک لوگو یا چند رنگ سازمانی، این شهر طی دهه ها با برنامه ریزی منسجم، زبان بصری واحدی را در لایه های مختلف شهری پیاده سازی کرده است. در بارسلونا نظام یکپارچه مسیریابی، تابلوها، نشانه ها، نقشه ها و اطلاعات شهری از یک ساختار گرافیکی هماهنگ پیروی می‌کنند. در این شهر تایپوگرافی شهری استاندارد و مستمر، انسجام فونت ها، اندازه ها، رنگ ها و نسبت ها در سطح شهر باعث شکل‌گیری «حافظه بصری» شده؛ به‌گونه‌ای که مخاطب حتی بدون دیدن نام شهر، سبک آن را تشخیص می دهد. در این شهر به مقیاس انسانی توجه شده و طراحی ها بر اساس رفتار واقعی کاربران در فضا شکل گرفته‌اند؛ از فاصله دید تا سرعت حرکت عابر یا خودرو. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت بارسلونا، تداوم در سیاست‌گذاری بصری و استمرار در اجراست. تغییرات مدیریتی باعث گسست در زبان طراحی نشده و همین ثبات، هویت پایدار ایجاد کرده است. این تجربه به ما یادآوری می‌کند که گرافیک شهری یک پروژه مقطعی نیست؛ یک فرایند استراتژیک است که می‌تواند شهر را خوانا‌تر، هماهنگ‌تر و هویت‌مند‌تر کند و در نهایت کیفیت زیست شهری را ارتقا دهد.

گزارش روز

محمد عنبرسوز| فیلم سینمایی «قماربار» به کارگردانی محسن بهاری، یکی از آثار امنیتی درخور توجه سینمای ایران در سال های اخیر است که با ورود به فضای تریلرهای جاسوسی، تلاش می‌کند تصویری متفاوت از جنگ های ترکیبی و مدرن ارائه دهد. این فیلم که نخستین تجربه کارگردانی بلند بهاری محسوب می شود، به تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی و با حمایت بنیاد سینمایی فارابی تولید شده است. فیلم‌نامه اثر را بهجت شریف نوشته و بازیگرانی چون آرمین رحیمیان، شبنم قربانی و کوروش تهامی، ایفای نقش های اصلی آن را بر عهده دارند.

تعلیق در اتاق

درباره فیلم «قماربار»، اولین ساخته بلند محسن بهاری



جنگ در میدان سایبری

داستان «قماربار» در بستر جنگ دوازده روزه شکل می‌گیرد و حول یک حمله سایبری به یکی از بانک های کشور می چرخد؛ بحرانی که در ظاهر یک اختلال فنی است، اما به تدریج ابعاد پیچیده تری پیدا می‌کند و پای نفوذ، خیانت و بازی های چندلایه امنیتی را به میان می‌کشد. فیلم با محدود کردن موقعیت به یک لوکیشن اصلی، روایت خود را در فضایی بسته و پرتنش پیش می برد؛ جایی که شخصیت ها در یک بازی ذهنی و امنیتی گرفتار شده‌اند.

نقطه قوت اصلی «قماربار» را باید در فیلم‌نامه آن جست وجو کرد. بهجت شریف با شناختی دقیق از سازوکار تعلیق، داستان را با شیبی ملایم و حساب شده پیش می برد و گره ها را به تدریج برای مخاطب می‌گشاید. این روند مهندسی شده باعث می شود نیمه نخست فیلم از کشش قابل قبولی برخوردار باشد و مخاطب را درگیر معمای مرکزی نگه دارد. با این حال، اتکای بیش از حد به دیالوگ و کمبود عناصر بصری و هیجان انگیز که از ملزومات تریلرهای امنیتی هستند، تا حدی به پویایی اثر لطمه زده است. این مسئله به ویژه در نیمه دوم فیلم بیشتر به چشم می آید؛ جایی که میزان غافل‌گیری های خلاقانه کاهش پیدا می‌کند و پایان بندی، تا حد زیادی، برای مخاطب قابل پیش بینی تر می شود. یکی از جسورانه ترین تصمیم های «قماربار»، روایت داستان در یک لوکیشن محدود است؛ انتخابی که می تواند به راحتی فیلم را به سمت فضایی تئاتری و ایستا سوق دهد. این خطر تا حدی نیز در اثر احساس می شود و در برخی لحظات، ریتم فیلم را دچار افت می‌کند.

با این حال، کارگردان توانسته با استفاده از قاب بندی های هوشمندانه و طراحی بصری دقیق، این محدودیت را به یک فرصت نسبی تبدیل کند. فضای بسته فیلم به شکلی طراحی شده که حالتی تودرتو یا به عبارت بهتر فضایی شبیه به یک هزارتو پیدا می‌کند؛ فضایی که با ماهیت معمایی داستان هم خوانی دارد و به ایجاد حس سردرگمی و تعلیق کمک می‌کند.

جایی میان جسارت و محدودیت

«قماربار» را می توان تلاشی جدی برای ورود به سینمای تریلر امنیتی با نگاهی معاصر دانست؛ فیلمی که با انتخاب موضوعی مرتبط با جنگ های نوین و تهدیدهای سایبری، به سراغ یکی از دغدغه های مهم روز می رود. هرچند محدودیت های اجرایی، اتکای زیاد به دیالوگ و افت ریتم در نیمه دوم، مانع از آن شده اند که این اثر به یک نمونه کامل در ژانر مورد بحث تبدیل شود، اما فیلم نامه منسجم، اجرای قابل قبول، بازی های روان و طراحی فضایی هوشمندانه، اجازه نمی دهند «قماربار» از مسیر سینما خارج شود.

ایستگاه هنر

اعلام ویژه برنامه های «هفته هنر انقلاب اسلامی» در استان



تکتم شریفی‌نژاد| ویژه برنامه های رویداد «هفته هنر انقلاب اسلامی» در مشهد و خراسان رضوی که با شعار «پدر مهربان» در حال برگزاری است، اعلام شد. مجید عسگری در گفت وگو با خبرنگار شهرآرانیوز، درباره برنامه های استان خراسان رضوی در هفته هنر انقلاب اسلامی بیان کرد: هفته هنر انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۵، از روز ۲۰ فروردین تا ۲۷ این ماه برگزار می شود. این رویداد با توجه به جنگ رمضان و شهادت رهبر فرزانه انقلاب، با شعار کشوری «پدر مهربان» در استان خراسان رضوی برگزار خواهد شد. رئیس حوزه هنری استان با اشاره به هدف برگزاری این رویداد بیان کرد: چشم انداز ما این است که بتوانیم ابعاد فکری، فرهنگی و رویکرد های رهبر شهید انقلاب را به واسطه این رویداد برای هنرمندان تبیین کنیم، در این راستا، هنرمندان و همکاران ما در حوزه هنری، فعالیت هایی را درباره جنگ رمضان صورت دادند که از عمده ترین آن ها می توان به برگزاری تئاتر های مسجدی و اجرای تئاتر های مونولوگ در اجتماعات اشاره کرد. وی افزود: تولیدات آوایی و سرود های متعددی نیز در اجتماعات مختلف اجرا می شوند. آثار دیگری نظیر فیلم کوتاه و روایت های تصویری نیز که از تجمعات شبانه مردمی تهیه می شود، از جمله فعالیت های حوزه هنری در روز های اخیر است. عسگری درباره ویژه برنامه های حوزه هنری استان به مناسبت چهلمین روز شهادت رهبر شهید انقلاب تشریح کرد: دو مراسم ویژه در این روز با حضور شاعرانی از جمله محمدکاظم کاظمی و محمدعلی مودب برگزار شد. برای روز های در پیش رو نیز درنظر داریم که جلساتی با حضور هنرمندان و استادان برگزار کنیم تا علاوه بر استفاده از سخنرانی بزرگان و شخصیت هایی که با تفکر و رویکرد های فرهنگی حضرت آقا آشنایی دارند، از خاطرات و روایات هنرمندان از رهبر شهید نیز بهره ببریم. رئیس حوزه هنری خراسان رضوی درنهایت با اشاره به برنامه های فرهنگی آتی بیان کرد: حضور در پای پرچم میدان احمدآباد مشهد، برگزاری پرفورمنس شهدای میناب، تولید آثار نقاشی و گرافیکی نیز جزو برنامه هایی هستند که توسط هنرمندان برای روز های پیش رو، مدنظر قرار گرفته اند.

ایستگاه هنر

ائتلاف جهانی کاریکاتوریست ها علیه صهیونیسم و آمریکا

آزاده فضلی-خبرگزاری مهرا| هنرمندان تجسمی به ویژه طراحان گرافیک و کاریکاتوریست های جهان در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران، بسیار فعال بوده اند و آثارشان نیز در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده است. عبور هنر از مرزهای جغرافیایی بار دیگر در آثار هنرمندان برجسته جهان تجلی پیدا کرده است. هنرمندان متعهد جبهه مقاومت، تازه ترین آثار خود را با محوریت بن بست سیاسی ترامپ و جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در لبنان منتشر کردند. در ادامه به واکنش های بصری هنرمندان بین المللی به فریبکاری های سیاسی ترامپ و حملات اخیر به خاک لبنان می پردازیم:



لوئیس کارلوس فرناندز هنرمند کاریکاتوریست برزیلی نیز که در مسابقه کارتون و کاریکاتور ترامپیسم شرکت کرده بود، طرحی از ترامپ ترسیم و منتشر کرده است.



هنرمند دیگر، کمال شرف هنرمند اهل یمن است که این روزها بیش از همه فعال است و به محض بروز یک اتفاق از سوی آمریکا و رژیم صهیونسیتی، واکنش نشان می دهد. طرح جدید او اختصاص به حمله رژیم صهیونسیتی به لبنان دارد که در سایه آتش بس اعلامی ترامپ اتفاق افتاد.



در میان هنرمندان خارجی همسو با جبهه مقاومت، می توان به مارکوس دوسوزا با نام هنری «کینیو» هنرمند کاریکاتوریست برزیلی اشاره کرد. وی نیز در ادامه کارهای دیگرش، این بار طرحی با عنوان «کالبدشکافی زنده لایه های عمیق عامل نارنجی» منتشر کرد.



کارلوس لطوف، هنرمند کاریکاتوریست برزیلی نیز که در هر برهه ای نسبت به مواضع مقاومت بی اعتنا نبوده و سیاست های آمریکا و صهیونیست ها برایش از اهمیت برخوردار است، طرحی جدید از ترامپ ترسیم کرده است. در این طرح، ترامپ همچون بیمار روانی دستانش بسته شده و گمان می‌کند که پیروز میدان است.



لطوف همچنین، طرحی دیگر ترسیم کرده است با این مضمون که صهیونیست ها به بهانه یهودستیزی، در حال جنایت در غزه، لبنان و ایران هستند. در این طرح سرباز رژیم صهیونیستی جلوی دهان دنیا را گرفته است و می‌گوید: «اینکه ما را جنایتکار جنگی بنامید، یهودستیزانه است!»